



مسلمانان در قرن چهارم چه روزهایی بزرگداشت می‌گرفتند؟

در آغاز ماه ربیع الاول که به مناسبت ولادت و هجرت رسول (ص) ماه شادمانی مسلمانان است، در اندیشه بازبینی برخی از نوشته های قدیمی بودم. سراغ بحث تقویم مذهبی و مناسبت ها مذهبی رفتم و مطلب زیر فراهم آمد که به مناسبت ورود به این ماه تقدیم عزیزان خواننده می‌کنم.

مقدمه

جعفریان، رسول - در آغاز ماه ربیع الاول که به مناسبت ولادت و هجرت رسول (ص) ماه شادمانی مسلمانان است، در اندیشه بازبینی برخی از نوشته های قدیمی بودم. سراغ بحث تقویم مذهبی و مناسبت ها مذهبی رفتم و مطلب زیر فراهم آمد که به مناسبت ورود به این ماه تقدیم عزیزان خواننده می‌کنم.

با توجه به حفظ تاریخ هجرت و مبنا قرار گرفتن آن، باید چنین تصور کرد که مسلمانان صرف از نظر توجهی که به بحث «یوم» یا «ایام العرب» از جاهلیت داشتند و روزهای خاصی را بزرگ می‌داشتند، پس از اسلام، به مناسبتی مانند هجرت اهمیت داده و یاد آن را با اساس قراردادن آن برای تقویم اسلامی حفظ کرده‌اند.

به علاوه، تاریخ گذاری جنگهایی مانند بدر و احد و خندق و بسیاری از ایام دیگر بر اساس ماه و روز، به طوری که دقیقاً حفظ شده و در کلیات آنها کمتر اختلافی هست، شاهد این ماجراست. از این دست چندین مورد را می‌توان یاد کرد. در باره تاریخ درگذشت یا کشته شدن خلفای اول و یا حتی بسیاری از رویدادهای دیگر نیز می‌توان اهمیت تقویم را با یاد از روزهای مشخص در میان مسلمانان درک کرد. بنابراین در اصل این مسأله نباید تردید داشت.

البته این که گفته شود برای ولادت رسول (ص) جشن می‌گرفته‌اند، یا برای رحلت آن بزرگوار، هر ساله مراسم داشته‌اند، چنین چیزی در قرون اولیه نبوده است، گرچه ممکن است برخی از اشارات در روایات شیعی این مسأله را نشان دهد. اما در باره عید قربان و فطر و اهمیت آنها به عنوان روزهای خاص، اصل بزرگداشت مسلم بوده است. برخی از ملاحظات در باره تقویم نیز از تقاویم یهودی یا مسیحی می‌توانسته میان مسلمانان مطرح شده باشد. جدای از محرم که دهه اول آن برای یهود و روزه گرفتن آن اهمیت داشته، مطابق آن، ماه رمضان در مسلمانان از اول به عنوان یک ماه مشخص برای روزه تعیین شده است.

این سوژه‌ها می‌تواند ما را به این نکته رهنمون کند که بحث تقویم، با ملاحظه روزهای دینی مشخص یا آنچه شاید با تسامح عنوان «ایام الله» را بتوانیم با اقتباس از قرآن بر آنها اطلاق کنیم، در ذهن تاریخی و تقویمی مسلمانان اهمیت داشته است. به طور معمول، بحث «تقویم اعیادی» یعنی آنچه از روزها به عنوان «عید» از آن یاد کرد، در خصوص ولادت رسول (ص)، توسط فاطمیان مطرح شده و از آنجا در میان اهل سنت شمال آفریقا و سپس سایر بلاد انتقال یافته است. طبعاً مفهوم عید برای همه مشخص بوده و از ابتدای اسلام، عید فطر و قربان برای همه شناخته شده بوده است.

در باره «روز غدیر» هم به عنوان عید، روایات شیعی، به قرون اولیه اسلامی باز می‌گردد. در این زمینه، روایات فراوانی در باره عید گرفتن وجود دارد و بر آن به عنوان یک سنت تأکید شده است.

در مقابل، روز عاشورا هم به همین صورت، در میان شیعه، از پس از واقعه کربلا در محرم سال 61 مطرح بوده است. هرچه هست، دلایل کافی وجود دارد که بگوییم تقویم اعیادی یا به عبارت بهتر مناسبتی شیعی از همان آغاز مورد توجه بوده در حالی که اهل سنت در این زمینه، کمتر بدان پرداخته‌اند. تاریخ‌های ولادت و وفیات ائمه (ع) که تحت عنوان دانش موالید الاثمه می‌توان از آنها یاد کرد، دامنه این بحث را در شیعه بیشتر گسترش داده است. روایات فراوانی که در باره هر کدام از این روزها، در تقویم های مناسبتی شیعی آمده، حکایت از عمق این جریان در شیعه دارد. رساله مسار الشیعه شیخ مفید یکی از آنهاست. به علاوه، تقویم های مناسبتی عمدتاً در کتابهای ادعیه آمده که نمونه کهن و باقی مانده آن، اثر شیخ طوسی با عنوان مصباح المتعجد است و شکل تکامل یافته آن در آثار ابن طاووس درج شده است.

اما ریشه دار بودن این تقویم مناسبتی در میان فاطمیان و تأویلیان شیعی هم از قدیم، باز نشانی دیگر از این مسأله است. کتاب «مجموع الاعیاد» که عنوان اصلی آن «سبیل راحة الارواح و دلیل السرور و الافراح الی فالق الاصباح» است از وجود پدیده عید و تقویم شیعی - غالی از قرون بسیار قدیمی است. در این کتاب از پدیده ای به نام «الاعیاد الفارسیه» هم یاد شده که به یوم النبروز، یوم المهرجان یاد شده و به دنبال آن آمده است: و یوم التاسع من شهر ربیع الاول به عنوان روزی که «مقتل دلام» در آن رخ داده، و نیز روز 21 [کذا] ذی حجه به عنوان روز مباحله و در نهایت گفته شده: فهذه جملة اعیاد اهل الشیعه» که مقصود با روزهایی است که پیش از آن هم ذکر شده است. این کتاب، ویژه اعیادی است که به خصوص برای نصیریهای غالی مورد توجه است و در کل برای شناخت مفهوم عید در شیعیان نخستین و بعدها غالیان بسیار مهم است، زیرا بسیاری از روایاتی که در آن آمده، مجعول یا درست، از طرق راویان غالی به ائمه می‌رسد.

همه این مطالب، مقدمه برای این نکته بود که روشن شود، زمانی که در تقویم های منجمان دنیای اسلام دست کم از قرن

چهارم به این سوی می نگریم، به راحتی نفوذ روزهای با اهمیت شیعی را از عید و عزا می توان در آنها ملاحظه کرد. البته چنین نیست که صرفاً مناسبات شیعی باشد، بلکه نوعی ترکیب شیعه - سنی و حتی یهودی و نصرانی دارد و سعی شده است فهرستی از روزهایی که در هر حال برای یک مسلمان به طور عام می تواند مهم باشد در آن درج شود، اما به طور شگفتی، روزهای خاص شیعی در آنها آمده و گاه با توضیحاتی که درج شده، کمک مهمی برای بحث تاریخ تشیع دارد.

ابوریحان بیرونی و تقویم مناسبتی مسلمانان

به جز منابع شیعی، دو منبع تقویمی مهم از قرن چهارم و پنجم که هر دو در حوزه ایران نوشته شده، مناسبت های شیعی را در خود جای داده است. مهم ترین دانشمندی که به این مبحث توجه کرده، ابوریحانی بیرونی (362 - 440) است که در دو کتاب خود، یکی آثار الباقیه و دیگری قانون مسعودی به این بحث توجه کرده است. طبعاً بحث در آثار الباقیه مفصل تر و در قانون مسعودی در حد یک جدول است.

آثار الباقیه بیرونی اثری است که در سال 391 هجری تألیف شده و به امیر شمس المعالی قابوس بن وشمگیر زیادی تقدیم شده است. با توجه به سال ولادت وی، بیرونی این اثر را در دوره جوانی و در پایان قرن چهارم هجری نوشته است، گرچه بعدها در آن افزوده ها و بازبینی هایی داشته است. وی در مقدمه، هدف از نگارش کتاب را بحث «تواریخ» امت ها، یعنی تاریخ شناسی و مبدأ نگاری و محاسبه سال و ماه و روز و نیز «و الاعیاد المشهورة و الايام المذكورة للأوقات و الأعمال، مما يعمل علیه بعض الامم دون بعضهم» دانسته است. بدین ترتیب در این اثر، از تقاویم مناسبتی امت های مختلف بحث کرده و از جمله در باره اعیاد مسلمانان و مناسبت های تقویمی آنان نیز فهرستی ارائه کرده است. وی بر اساس ماه های قمری بدین ترتیب روزهایی را آورده و البته در باره برخی از آنها توضیحاتی هم داده است.

صفحه ای از قانون مسعودی نسخه برلین

جدول مناسبت های اسلامی در آثار الباقیه

در اینجا، نه تنها روزها بلکه توضیحات بیرونی را هم خواهیم آورد. البته این توضیحات به عربی است و بهتر می تواند مقصود را نشان دهد. طبعاً عربی آن چندان دشوار نیست و حتی خوانندگان کم آشنا هم از کلمات بکار رفته می توانند مقصود را دریابند. این توضیحات به وضوح، یا تشیع بیرونی را نشان می دهد یا فضایی که وی این کتاب را در آن نوشته و کاملاً شیعیانه بوده است.

محرم، 9 تاسوعا (یوم یصلی فیها الزهاد من الشيعة)

محرم، 10، عاشورا (اتفق فیہ: قتل الحسین بن علی بن ابی طالب بالطفة، مع اهل بیت رسول الله، من آل ابی طالب- علیهم السلام- اجمعین- و فعل به و بهم، ما لم یفعل فی جمیع الامم بأشرار الخلق، من القتل بالعطش و السیف و الإحراق بالنار، و صلب الرعوس، و إجراء الخیول علی الاجساد المؤرّبة، و هتك الستر بسبی النساء و الاطفال، و حملهم مشهرین علی الجمال، فتشاءموا به. فاما بنو أمیة، فقد لبسوا فیہ ما تجدد، و تزیتوا، و اکتحلوا، و عیدوا، و أقاموا الولائم و الضیافات، و طعموا الحلاوی و الطیّیات؛ و جرى الرسم فی «العامة»، علی ذلك ایام ملکهم، و بقى فیهم بعد زواله عنهم. و اما الشيعة، فاتهم ینوحون، و ینبکون أسفا لقتل سید الشهداء فیہ؛ و ینظرون ذلك بمدينة السلام، و امثالها من المدن و البلاد؛ و یزورون فیہ التربة المسعودة بکربلا، و لذلك کره فیہ فعل «العامة»، من تجدید الاوانی و الاثاث.)

محرم، 10 (فی هذا الیوم قتل ابراهیم بن الاشر ناصر آل رسول الله. و یقال: ان الله تاب فیہ علی آدم. و استوت سفینة نوح علی الجودی. و فیہ ولد عیسی، و نجی موسی، و ابراهیم و برد النار علیه، و ردّ علی یعقوب بصره، و اخرج یوسف من الجبّ، و اعطى سلیمان ملکه، و رفع العذاب عن قوم یونس، و کشف الضرّ عن ایوب، و اجیب دعاء زکریاء حتی وهب له یحیی، و قیل بان یوم الزینة الذی هو موعد سحرة فرعون. بعد بیرونی می گوید: وقوع این رخدادها در این روز گرچه ممکن است، اما مستند به منابعی است که قابل اثبات نیست و سخن محدثان عوام یا مسلمان شده های اهل کتاب است»

محرم: 16 : جعلت القبلة جهة بیت المقدس.

محرم: 17 قدوم اصحاب الفیل مکه.

صفر: 1 : فی الیوم الاول، ادخل رأس الحسین مدینة دمشق فوضعه یزید لعنه الله بین یدیه و نقر ثنایاه بقضیب کان فی یدیه.... و قد قتل فیہ الامام زید بن علی

صفر: 16: بدأ المرض برسول الله (ص) فاعتلّ علته التي قبض فیها.

صفر: 20 : رد رأس الحسین الی مجثمه حتی دفن مع جثته، و فیہ زیارة الاربعین

صفر: 23: ترک المأمون لبس الخضرة بعد ان لبسها خمسة اشهر و نصفاً

صفر: 24 : خرج النبی (ص) من مكة مهاجرا و دخل الغار

ربیع الاول: 1 : یوم الاثنين: قبض رسول الله.

ربیع الاول: 3 : یوم الاربعاء دفن علیه السلام

ربیع الاول: 8: قدم علیه السلام المدینة.

ربیع الاول: 10 : تزویجه بخدیجة.

ربیع الاول: 12 : ولد ليلة الاثنين.

ربیع الاول: 13: وثب المختار بن ابی عبید الثقفی علی قتلة الحسین بالكوفة للانتقام.

ربیع الاول: 14 : موت یزید بن معاویه لعنه الله.

ربیع الثانی: 3: رمی الحجاج بن یوسف بیت الله الکعبة بالنار.
 ربیع الثانی: 14: تقرير فرض الصلاة للمقيم و المسافر.
 جمادی الاولی: 8: مولد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.
 جمادی الاولی: 15: حرب الجمل التي اكلت فيها الهرة اولادها
 جمادی الثانی: 3: قبضت فاطمة الزهراء. بیرونی ادامه می دهد: و قبل وفاتها، لم یباع علی بن ابی طالب و لا احد من بنی هاشم.
 جمادی الثانی: 20: ولدت [فاطمة الزهراء].
 جمادی الثانی: 8: وفاة ابی بکر الصديق. (اینجا لقب صديق برای ابوبکر آمده اما برای عثمان و عمر هیچ لقبی درج نشده است).
 جمادی الثانی: 15: هدم ابن الزبير الکعبة بیده.
 رجب: 1: دخول نوح السفينة.
 رجب: 1: فتح یرموک
 رجب: 4: التقى امیر المؤمنین و معاویه بصفین.
 رجب: 7: فتن داود النبی.
 رجب: 26: مبعث النبی (ص) (و قال السلامی: بعث يوم الاثنين 10 ربیع الاول).
 رجب: شب 27: اسرى برسول الله من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى.
 شعبان: 3: ولد الحسين بن علی بن ابی طالب.
 شعبان: 5: ولد الحسن بن علی بن ابی طالب (علی ما ذکر السلامی).
 شعبان: 13 - 15: ایام البیض.
 شعبان: شب 15: ليلة الصک و ليلة البراءة (عوام بر این باورند که در این شب، نام کسانی که در آن سال خواهند مرد، به فرشته قابض ارواح داده می شود).
 شعبان 15: صرفت القبلة من جهة بیت المقدس الى جهة الکعبة.
 رمضان: 6: ولد الحسين علیه السلام علی ما ذکر غیر السلامی.
 رمضان: 7: لبس المأمون الخضرة
 رمضان: 10: وفاة خديجة
 رمضان: 17: ضرب المعلون عبدالرحمن بن ملجم المرادی علی بن ابی طالب علیه السلام. [؟]
 رمضان: 17: وقعة بدر
 رمضان: 19: فتح مكة
 رمضان 21: قبض امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.
 رمضان: 21: و فيه اتفق وفاة علی الرضا ابن موسى الكاظم ابن جعفر الصادق ابن محم الباقر [و قيل: ان وفاته 23 ذی القعدة.
 رمضان: 22: ذکر السلامی ان فی اليوم 22 ولد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب.
 رمضان 25: اظهر ابو مسلم عبدالرحمن بن مسلم الدعوة العباسية.
 رمضان 26: خرج البرقي [صاحب الزنج] بالبصرة
 رمضان: 27: ليلة القدر
 [و يقال أن: فی اليوم الاول من شهر رمضان، نزلت صحف ابراهيم؛ و فی السادس، نزلت التوراة علی موسى؛ و فی الثانی عشر، نزل الزبور علی داود؛ و فی الثامن عشر، نزل الإنجيل علی عيسى؛ و فی الرابع و العشرين، نزل الفرقان علی محمد- علیه السلام].
 بیرونی دنباله این سخن، مطالبی را بیان کرده و آنها را نقد کرده است.
 شوال: 1: عيد الفطر
 شوال: 4: مباحلة النبی نصاری نجران (و اخراجه الحسن و الحسين مقام ابنائه، و فاطمة مقام نسائه، و علی بن ابی طالب قرینه الی نفسه ایتمارا بما امره الله)
 شوال: 17: غزوة احد
 شوال: 19: وفاة ابی طالب.
 شوال: 22: التقم یونس الحوت.
 ذوالقعدة: 5: نزول الکعبة و الرحمة من السماء علی آدم و فيه رفع ابراهيم و اسماعیل القواعد من البيت.
 ذوالقعدة: 14: زعموا خروج یونس من بطن الحوت.
 ذو الحجة: 1: زوج رسول الله ابنته فاطمة من ابن عمه علی بن ابی طالب.
 ذو الحجة: 8: يوم الترویة. (... و قيل بأن فيه: تجلی الرب للجبل كما ذکر فی قصة موسى)
 ذوالحجة: 9: يوم عرفة.
 ذو الحجة: 10: يوم الاضحی.
 ذو الحجة: 11: يوم القرّ.

ذو الحجة: 12: يوم النفر

ذو الحجة: 17: قتل عثمان بن عفان.

ذوالحجة: 18: یسمی «غدیر» خم، و هو اسم مرحلة، نزل بها النبي- عليه السلام- عند منصرفه من حجة الوداع؛ و جمع القتب و الرّحال، و علاها أخذاً بعضد علی بن ابی طالب، و قال: «أيتها الناس! الست أولى بكم من انفسكم؟». قالوا: «بلى»، قال: «فمن كنت مولاه، فعلى مولاه؛ اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله، و أدر الحقّ معه، حيثما دار؛» و يروى أنّه: رفع راسه نحو السماء، و قال: «اللهم هل بلغت ثلاثاً...»

ذو الحجة: 24: تصدق امير المؤمنين بخاتمه و هو راکع

ذوالحجة: 25: قتل عمر الخطاب (بدون هيچ القابى)

ذو الحجة: 25: نزول سورة هل اتى.

ذوالحجة: 26: نزل الاستغفار على داود

ذوالحجة: 27: وقعة الحرّة (و هي التى قتل فيها بنو امية و انتهت اموالهم، و هتكت ستور المهاجرين و الانصار و فضحت نساءهم، فلعن الله من لعنه رسول الله من المحدثين فى المدينة، و جعلنا غير راضين بالفساد فى ارض الله.

بيرونى و توضيحات شيعيانه او در باره مناسبت ها

در باره بيرونى و تنظيم اين تقويم دو احتمال وجود دارد. احتمال اول اين است كه وى اين تقويم را از جايى به صورت كامل گرفته و گرايش شيعى در آن، در آن مأخذ بوده است. چنين احتمالى بسيار بعيد است، ضمن آن كه او مأخذ خود را كه سلامى و گاه ديگران است نقل مى كند. نوع تعابير نـمى تواند صرفاً اقتباس باشد. دوم اين كه اين تقويم را به طور كامل خود بيرونى تنظيم كرده باشد و باورهاي شيعى او در انتخاب و تنظيم و نثر انتخاب شده تأثير گذاشته باشد. به هر روى، يك تقويم مناسبتى منسجمى است كه بخش اصلى آن باورهاي شيعى است.

جدول مناسبتها در القانون المسعودى بيرونى

همان طور كه اشاره شد، بيرونى در القانون المسعودى هم بحث تقاويم ملل، جدول ملوك و اعياد دينهاى بزرگ مانند يهوديت، نصرانيت، اسلام و مجوسيت را آورده است. اما در بخش اسلام، در مقايسه با آنچه در الاثار الباقية آورده، بحث بسيار كوتاه همراه با يك جدول ارائه كرده است. در آنجا مى نويسد: روزهايى از سال كه ما اجباراً و از روى شرع بايد آنها را تعيين كنيم، اول رمضان براى روزه و اول شوال براى فطر، و اول ذى حجه براى حج و قربان است كه مربوط به رؤيت هلال و نه محاسبه آن است. در باره تعيين ساير ايام، وجوبى در كار نيست، اما روز عاشورا، اگر چه سال اول روزه گرفتن آن واجب بود، اما با ماه رمضان نسخ شد. ديگر ايام را هم نيازى به تفسير ندارند، به همين دليل من در حد يك جدول آنها را بيان خواهم كرد. جدول وى نيز اين است:

جدول از متن چاپى بيروت

محمد بن ايوب حاسب طبرى و زيچ مفرد

تقويم ديگرى كه از اواخر قرن پنجم در دسترس ماست و آن هم شيعى و در ضمن ايرانى است، تقويم مناسبتى است كه منجمى ديگر با نام شمس الدين ابوجعفر محمد بن ايوب حاسب طبرى است كه تاريخى كه روى كتاب وى با عنوان «زيچ مفرد» آمده «ربع آخر سده پنجم هجرى است. اين اثر يا به عبارت بهتر، بخش تقويمى اين اثر كه توسط رحيم رضا زاده ملك تصحيح و منتشر شده، (تهران، ميراث مكتوب، 1385) متنى است به بحث تقويم در ميان ملل مختلف پرداخته است. نويسنده يعنى شمس الدين ابوجعفر محمد در اصل طبرى و اساساً آملى است و چندين كتاب دارد كه در شرح حال وى، آنچه در متون قديم و مقالات و مقدمات بر كتابهاى وى آمده، درج شده است. يكي از آثار مهم وى تحفه الغرايب است كه به كوشش جلال متينى با مقدمه اى مبسوط و مفصل منتشر شده است. تنها نسخه موجود از زيچ مفرد مربوط به پيش از سال 604 هجرى است زيرا تاريخ ولادتى با تاريخ ياد شده روى نسخه درج شده است. نويسنده در بيان تقاويم ملل مختلف، بخشى را به «توقيعات و اعياد العرب» اختصاص داده و جدولى از عاشورا دهم محرم تا مقتل عمر در 29 ذى حجه آورده است. ميان آنچه وى آورده با آنچه در آثار الباقية هست، عموم و خصوص من وجه است و تازه هاى فراوان در زيچ مفرد، نشان مى دهد كه اقتباسى از تقويم بيرونى صورت نگرفته است. در مواقع، در مواردى اينها با هم تعارض آشكار دارند اما در اين كه همه رنگ شيعى دارند، متفق اند.

توقيعات و اعياد العرب

محرم: 10: عاشورا و مقتل حسين بن على

محرم: 17: صرف القبل من الكعبة

محرم: 17: خروج زيد بن على عليه السلام

محرم: 28: وفات موسى بن جعفر عليه السلام

صفر: 20: زيارة الاربعين

صفر: 21: اول غزو النبي صلوات الله عليه.

ربيع الاول: 3: وفاة النبي عليه السلام.

ربيع الاول: 4: سوختن كعبه

ربيع الاول: 7: مولد فاطمه

ربيع الاول: 8: هجرة النبي عليه الصلاة و السلام

ربیع الآخر: 3: برآمدن آب از کوفه
 ربیع الآخر: 10: وفاة آمنه ام النبی علیه السلام.
 جمادی الاولی: 15: تقرير فرض الصلوة
 جمادی الآخر: 3: حرب الجمل
 جمادی الآخر: 9: مولد جعفر بن ابی طالب
 جمادی الآخر: 14: مولد موسی بن جعفر علیه السلام.
 جمادی الآخر: 20: وفاة فاطمة علیها السلام.
 جمادی الآخر: 22: وفاة ابی بکر رضی الله عنه.
 رجب: 4: وفاة الحسن بن علی علیه السلام
 رجب: 12: مولد محمد بن علی علیه السلام.
 رجب: 15: زیارة النصف.
 رجب: 27: مبعث النبی علیه السلام.
 رجب: 27: شب معراج.
 شعبان: 3: مولد الحسین بن علی علیهما السلام.
 شعبان: 15: شب چک.
 رمضان: 1: اول صوم.
 رمضان: 3: حجة الوداع.
 رمضان: 5: مولد علی بن حسن [کذا. ظ: الحسین] زین العابدین.
 رمضان: 5: توبه آدم علیه السلام.
 رمضان: 16: مولد الحسن بن علی علیه السلام.
 رمضان: 17: غزاة البدر
 رمضان: 21: وفاة علی بن ابی طالب علیه السلام.
 رمضان: 22: مولد علی بن ابی طالب رضی الله عنه.
 رمضان: 24: اول نزول قرآن.
 رمضان: 26: وفاة جعفر بن محمد الصادق علیه السلام.
 رمضان: 27: ليلة القدر.
 شوال: 1: عيد الفطر
 شوال: 3: المباهله
 شوال: 15: مقتل حمزة سيد الشهداء.
 ذی القعدة: 11: مقتل جعفر بن ابی طالب.
 ذی الحجة: 1: تزویج فاطمه علیها السلام
 ذی الحجة: 3: نزول جبرئیل علیه السلام.
 ذی الحجة: 6: وفاة محمد بن علی الزکی
 ذی الحجة: 7: المزدلفة.
 ذی الحجة: 8: ترویه.
 ذی الحجة: 9: عرفه
 ذی الحجة: 10: عيد الاضحی.
 ذی الحجة: 11: القر
 ذی الحجة: 12: النفر
 ذی الحجة: 15: نزول هل اتی
 ذی الحجة: 15: مقتل عثمان بن عفان رضی الله عنه.
 ذی الحجة: 18: غدیر خم.
 ذی الحجة: 29: مقتل عمر الخطاب رضی الله عنه.

یادآوری چند نکته لازم است:

الف: آنچه در زیج مفرد از گرایشات شیعی در تقویم آمده، اشاره به ولادت و درگذشت شماری از امامان از جمله موسی بن جعفر، امام محمد بن علی الزکی [الجواد] وفات امام صادق (ع) است. ب: 27 رجب به عنوان مبعث اختصاصی شیعه است، هرچند در تقویم بیرونی، 26 آمده بود. ج: زیارت اربعین که باز از مختصات شیعه است، در هر دو تقویم به عنوان روز بیستم صفر آمده است. د: توضیحات بیرونی نشانه آشکاری است بر تبحر تاریخی وی با گرایش شیعی که در زیج مفرد دیده نمی شود. هـ: اگر علیه السلام‌های بعد از نام امامان از خود نویسنده باشد، باز دلیلی دیگر بر این است که او به عنوان یک آملی، شیعه بوده است. و: این تقویم، با آنچه در مسار الشیعه یا مصباح المتعجد آمده، تفاوت های آشکاری دارد و پیداست که منبع آنها یکسان

گردیزی، زین الاخبار و جدول اعیاد و مناسبتها

فاصله درگذشت ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی با ابوریحان بیرونی فقط چهار سال است، ابوریحان در سال 440 و گردیزی در سال 444 درگذشته است. گردیزی در بحث از اعیاد مسلمانان، هم یک جدول داده و هم توضیحاتی آورده است. در آغاز جدول گوید: «بدانک عیدهای مسلمانان بسیار است کی اهل هر مذهبی آن را استعمال کنند و من آنچ یافتم به خاصه از کتب خواجه ابوالریحان، رحمه الله، بیاوریم و آن را به جدول کردم تا یافتن آن بر جوینده آسانتر بود». این جدول شباهت تقریباً کامل به اطلاعاتی دارد که ابوریحان در الآثار الباقیه یا القانون المسعودی آورده است. گرچه موارد اختلاف هم هست، از جمله مقتل جعفر بن ابی طالب را که گردیزی در ذی قعده آورده، بیرونی نیاورده است. اما در مجموع، حتی با توجه به تعبیر می توان یقین کرد که این جدول از روی نوشته بیرونی تنظیم شده است. مثلاً در باره خروج صاحب الزنج، هر دو تعبیر «خروج برقی» را دارند، هرچند گریزدی کلمه «در زنج» را هم افزوده و اضافه کرده «اظهار فساد در زمین». اختلاف دیگر در باره ماه رجب است که ضمن اشتراک در مبعث و جنگ صفین، معراج که مشترک هستند، گردیزی از «مولد محمد بن العلوی» یاد می کند که بر اساس توضیحاتی که در قسمت بعدی داده، روشن است که مقصودش محمد بن علی باقر علیه السلام است، چیزی که در تقویم زیچ مفرد در 12 رجب آمده است.

توضیحات گردیزی در باره اعیاد مسلمین، از نظر نوع عبارت، قابل مقایسه با احساس شیعی بیرونی که در عبارات نشان می دهد نیست. در واقع، عبارات بیرونی، همان طور که گذشت، بسیار شیعی هستند، در حالی که گردیزی نثر ملایمی دارد و همان طور که در عبارت پیشگفته او آوردیم، توجه دارد که «اهل هر مذهبی» عید خاص خود را دارند. البته گویا در آنجا مقصودش از مذهب دین است، اما به هر حال همین که در جدول، در باب غدیر می نویسد: «روز غدیر خم برای شیعه» پیداست که توجه به این جنبه دارد. با این حال، در توضیحات وی، رسوخ ادبیات شیعی به خصوص در احترام نسبت به عاشورا که در تاریخ نگاری ایرانی سنی هم این احترام وجود دارد، دیده می شود. همان طور که گفته شد، گردیزی ابتدا جدول ماه ها و روزهای تاریخی را آورده و سپس توضیحات آنها را درج کرده که تلفیقی از آموزه های سنی و شیعی است.

از نکات جالب دو تقویم بیرونی و طبری، اشاره به «زیارت اربعین» بود. این امر در نوشته گردیزی هم انعکاس یافته و توضیح وی که به احتمال متوجه اصل مقصود نشده اما سعی کرده چیزی بیان کند، در باره بیستم صفر این است: «اندرین روز سر حسین علی رضی الله تعالی عنهم اندر دمشق آوردند بنزدیک یزید لعنه الله، و مر حسین را رضی الله عنهم شمر ذی الجوشن کشت، و سر او عمرو بن سعد برید بکربلا. اندرین روز زیارت چهل تن بوده است، که اندر اسلام چهل ابرار شدند، اندرین روز بیک جای گرد آمدند، و بیکدیگر زیارت کردند». این عمرو بن سعد باید عمر بن سعد باشد و چنان که می دانیم شخص عمر بن سعد منهای فرماندهی که همه مسوولیت هم با اوست، متهم به سربردن امام حسین (ع) نشده است، مگر مقصود تسامحا باشد. توضیحات تفصیلی گردیزی را در باره تقویم مناسبتی، برای روشن شدن دامنه این بحث، الزاما می آوریم تا دامنه این نگره در تاریخ نگاری ایرانی آشکار شود.

در اینجا، ما متن را بر اساس چاپ رضازاده ملک خواهیم آورد که ترتیب آن متفاوت و نوع املائی کلمات نیز تفاوت هایی دارد. در زمینه املا، چیزی بین دو متن را انتخاب کرده ایم.

بنابراین آنچه ملاحظه می کنید عیناً از زین الاخبار گرفته شده و هدف از این توضیحات، ارائه دقیق تر توصیف موجود در عالم اسلامی قرن پنجم هجری در باره مناسبت های مذهبی میان مردم و ذهنیت آنان در این باره است. پس از آن جدول را می آوریم که محاسبه اعداد ماه ها در آن بر اساس حروف ابجد و حساب جمل است.

باب نهم اندر اسباب عیدها: و چون عیدها شناخته شد، باید که سبب آن نیز دانسته آید، و من آنچه دانستم و آنچه شنیدم. و آنچه نبشته یافتم، اینجا بیاوردم تا معلوم باشد:

ا: غره محرم و روز نخستین را غرة الحول و سر سال خوانند. و به همه ملتها سر سال را بزرگ دارند، و اهل جاهلیت عرب، این ده روز اول محرم را سخت بزرگ داشتندی. و پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم این اول محرم را حرمت داشتی. و پیش از آنکه آیت آمد و روزه ماه رمضان فریضه گشت، همه صحابه رضی الله عنهم، ده روز اول محرم بجای فریضه روزه داشتندی. و چون روزه رمضان داشتندی، این ده عاشوره را هم بزرگ داشتندی. و بر ما همه واجبست بر اثر رسول صلی الله علیه و آله و سلم رفتن، و این روز را بزرگ داشتن.

ب: این روز را تاسوعا گویند بر وزن عاشورا. و این روز بزرگوار است، و این روز مر عاشورا را چنان باشد که عرفه مر عید را. ج: و این روز عاشورا، روز بزرگوار است. و اهل همه ملتها این روز را بزرگ دارند، و اندرین روز طاعتها کنند، و صدقه دهند، مر جهودان را عید و روز اول سال است که این را عشرتا گویند، و همه مردمان ایشان آن روز، روزه دارند، و گویند کودک را اندر گهواره شیر بدهند. و این عاشورا بنزدیک مسلمانان بزرگوارتر از آنست که عشرتا بنزدیک ایشان. اندرین روز مقتل امیر المؤمنین حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهما بود بکربلا، و این سخت بزرگوار روز است و چون این روزها باشد، بسیار مردم از هر جا بکربلا آیند بزیارت گور حسین رضی الله عنه، و آنجا دعا گویند، و شیعه آن روز را بزرگ دارند، و اندر و صدقه دهند، و بر حسین علی رضی الله تعالی، عنهم نوحه کنند، و بر یزید لعنت کنند.

د: اندرین روز قبله سوی بیت المقدس گردانیده شد، و سبب آنچنان بود کی اندر اول اسلام فرمان آمد از آسمان پیغمبر را صلی الله علیه و سلم، در نماز روی سوی کعبه همیکردی، تا فرمان آمد، که روی سوی بیت المقدس کن، و بر حکم فرمان ایزد تعالی روی بر آن جانب کردند، و هجده ماه همبرین جمله رفت تا آیت آمد در روی سوی کعبه فرمود کردن.

هـ: و این روز آن بود: که حبشه بخراب کردن کعبه آمدند، و امیر حبشه ابرهه نام بود که قصد مکه کرده بود، تا آن خانه را ویران کند، و مراد او آن بود، تا عرب نیز بخانه کعبه نیایند. و این ابرهه همی خانه کرده بود، و مال بسیار اندر و صرف کرده بود. خواست تا این حج مردمان همین باشد. و با وی لشکر بسیار بود، و فیلان بودند. این عام الفیل اندر سنه اثنین و ثمانین و ثمانمائه بود از گاه اسکندر. و سنه اربعین از ملك نوشروان عادل. و اندرین وقت که این اصحاب الفیل به مکه آمدند، عبد الله بن عبد المطلب پدر پیغمبر ما صلی الله علیه و سلم بشام بود. و چون به مدینه رسید بمرد، و پیغمبر صلی الله علیه و سلم اندر شکم مادر بود، و از پس آمدن اصحاب الفیل به پنجاه روز مولد محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم بود. و حبشه مر خانه را خراب نتوانستند کرد. و خدای عز و جل طیرا ابابیل را بر ایشان بگماشت با سنگ گل یعنی سخیل برایشان همی زدند و هر جانوری را که آن سخیل بیافتی بکشتی، تا همه هزیمت شدند

و: اندرین روز سر حسین علی رضی الله تعالی عنهم اندر دمشق آوردند بنزدیک یزید لعنه الله، و مر حسین را رضی الله عنهم شمر ذی الجوشن کشت، و سر او عمرو بن سعد برید بکربلا. اندرین روز زیارت چهل تن بوده است، که اندر اسلام چهل ابرار شدند، اندرین روز بیک جای گرد آمدند، و بیکدیگر زیارت کردند.

ز: ابتدای بیماری رسول الله علیه و سلم اندرین روز بود از علت ذات الجنب، و هم اندر آن بیماری بمرد صلی الله علیه و سلم. نخستین غزوی که پیغمبر ما صلی الله علیه و سلم با کافران بکرد، و کافران را مقهور کرد، اندرین روز بود.

ح: اندرین روز پیغمبر صلی الله علیه و سلم، از مکه سوی غار بیرون آمد، و اندر غار پنهان شد با ابو بکر صدیق رضی الله عنه، و سه شبانه روز، اندر غار بیبودند و از آنجا بیرون آمدند و سوی مدینه رفتند: رسول صلی الله علیه و سلم، و ابو بکر صدیق و عامر بن فهیره مولى ابو بکر، و عبد الله بن اریقظ.

ط: اندر این روز، پیغمبر ما، صلی الله علیه و سلم، از علت ذات الجنب فرمان یافت و آن روز دوشنبه بود وقت چاشتگاه. ی: اندرین روز پیغمبر صلی الله علیه و سلم از مکه به مدینه آمد بهجرت. و چون از غار بیرون آمد، اندرین روز به مدینه رسید و به قبا، بر سایه درخت فرود آمد، و هفت روز آنجا بیبود، پس اندر مدینه در آمد، و هر کس خانه خویش عرض کردند، رسول فرمود صلی الله علیه و سلم: «که شتر من مأمور است»، و شتر می رفت تا آنجا زانو زد کی اکنون مسجد رسول است صلی الله علیه و سلم و آنجا مر دو یتیم را بود، و بنزدیک آن خانه ابو ایوب انصاری بود، رسول علیه السلام آنجا فرود آمد، و آنجای را از آن یتیمان بخیریدند و مسجد کرد.

اندرین روز مولد امیر المؤمنین ابو الحسن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم بود، و مادر او فاطمه بنت الاسد المخزومی بود. یا: اندرین (روز) تزویج خدیجه بود با پیغمبر صلی الله علیه و سلم. چون آن معجزات همی دید، و نیز او را امین یافت همه چیزها و عاقل و دانا و هوشیار، رغبت کرد، کی رسول الله علیه و سلم، شوی او باشد. پس پیغمبر را صلی الله علیه و سلم گفت: «مر ابو طالب را بگوی! تا مرا از بهر تو از پدر من بخواهد.» و چون ابو طالب بخواست. خویلد اجابت نکرد. پس خدیجه رضی الله تعالی عنها میزبانی ساخت، و ابو طالب را نیز بخواند.... چون خویلد مست شد، ابوطالب خدیجه را از وی بخواست از بهر محمد المصطفی صلی الله علیه و سلم، و خویلد اجابت کرد و هم اندر آن مجلس نکاح کردند. دیگر روز چون خویلد هوشیار شد، و او را خبر دادند، پشیمان شد، خواست که آن عقد نکاح را فسخ کند، و خدیجه او را باز داشتگفت: «من زشت نام کردم.»

یب: مولد پیغمبر ما صلی الله علیه و سلم و ابو بکر اندر عام الفیل بود و اندرین روز بود بخانه یی که آن خانه، خانه ابن یوسف خواندندی اندر مکه.

یج: اندرین روز حجاج بن یوسف، خانه کعبه را به منجنیق بکوفت و بسوخت. و سبب آن بود کی چون مر حسین بن علی رضی الله عنهم را بکشتند، و یزید بن معاویه بروی چندان استخفاف بکرد، عبد الله بن الزبیر به مدینه بیرون آمد. و از بهر خویشتن دعوت کرد، و قصد بنو امیه کرد، و هر چه از بنو امیه به مدینه بودند، همه را از مدینه بیرون کرد. و یزید بن معاویه، مر مسلم بن عقبه المری را بحرب عبد الله بن الزبیر فرستاد، و او به مدینه شد، و مر عبد الله را هزیمت کرد، و سه روز فرمود تا مدینه را غارت کردند، [و وقعت حره این بود] پس مسلم سوی مکه رفت و اندر راه بمرد، او را به منزل قدید دفن کردند، حصین بن نمیر به مکه رفت، و خانه کعبه را حصار گرفت و بسوخت چنانکه دیوارهای او بسوخت و بیفتاد، تا باز عبد الله ابن الزبیر آبادان کرد. ید: اندر این روز، مولد جعفر بن محمد الصادق بود رضی الله عنه.

یه: اندرین روز نماز فریضه بر پنج وقت قرار گرفت، و پیش ازین هر گونه همیکردند بیشتر و کمتر، قراری نداشت، کی ایزد تعالی آیت فرستاد و وحی کرد بر رسول علیه السلام و گفت: نماز کنید! و نگفت چند کنید و کی کنید! پس رسول صلی الله علیه و سلم اندرین روز این نمازها بنهاد، و وقتها آن پدید کرد، و فریضه و سنت پدید کرد، و مر صحابه را بفرمود کی چنین کنید! و چون جبرئیل علیه السلام زی او آمد، و آن بدید، از وی پسندید، و هم بر آن قرار بماند.

یو: این روز حرب جمل بود کی طلحه و زبیر با امیر المؤمنین علی رضی الله تعالی عنه حرب کردند و عایشه رضی الله عنها را از مدینه با خویشتن ببرند. و عایشه رضی الله عنها اندر هودجی نشسته بود و بر اشتیری نهاده، و آن هودج را همه به تیر بدوختند. اما عایشه را رضی الله عنها رنجی نرسید از آن، آخر آن قوم که با عایشه بودند هزیمت شدند، و اشتیر عایشه را بگرفتند. و علی رضی الله عنها فرمود کی او را نیکو فرود آوردند و علی به نزدیک او رفت و عذر خواست و عایشه رضی الله عنها تنگدلی کرد و بسیار سخنان رفت میان ایشان. آخر عایشه بازگشت و به مدینه بشد.

یز: اندرین روز وفات دختر پیغمبر فاطمه البتول رضی الله عنها بود، و صحابه رضی الله عنهم، اندرین روز ماتم گرفتند. یح: وفات ابو بکر صدیق رضی الله عنه اندرین روز بود، و بر دل صحابه رضی الله عنهم اندرین روز غمی و المی سخت رسید، و

همه ماتم گرفتند و بر وفات ابو بکر صدیق رضی الله عنه.

بط: اندرین روز مولد فاطمه زهرا رضی الله عنها دختر پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم بود به مکه.

ک: اندرین روز وفات حسن بن علی رضی الله تعالی عنهم بود، و چنین گویند بعضی راویان که او را زهر دادند، و اندر و کارکرد، و از آن بمرد. [و گویند]: معاویه بن ابی سفیان، مر زن حسن، جعده بنت الاشعث بن قیس الکندی را پانصد هزار درم بپذیرفت، تا جعده آن زهر به حسن داد. حسن از آن زهر بمرد، تا معاویه ولایت بقره بگرفت.

کا: حرب صفین اندرین روز بود، که معاویه با علی بن ابی طالب رضی الله عنه حرب کرد، و علی رضی الله عنه مر معاویه را و سپاه او را مقهور کرد. و چون هزیمت خواستند شد، عمرو بن العاص بنزدیک معاویه آمد و گفت، «نیز جای مردی و مبارزت نماند، اینجا حیلست باید کرد.» پس معاویه باشاره عمرو بفرمود: تا صفها قرآن را اندر نیزه کردند، و آواز دادند: «که ما شما را بدین همی خوانیم». پس علی رضی الله عنه بفرمود، تا شمشیرها اندر نیام کردند، دبیران اندر میان شدند و بر آن نهادند که حکمین نصب کنند. و مر عمرو بن العاص و ابو موسی الاشعری را حکم کردند. تا رسید کار آنجا که رسید.

کب: اندرین روز محمد بن علی العلوی از مادر بزاد که او را باقر خواندندی، و امام شاعیان [شیعیان] بود، از جمله آن هفت امام که ایشان گویند یکی او بود.

کج: این روز بیرون آمدن پیغمبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بود، کی به مکه بیرون آمد، و به رسولی خدای عزّ و جل دعوی کرد، و خلق را بخدای عزّ و جل خواند، و اول کسی خدیجه بنت خویلد بود که برسولی او، و به یگانگی ایزد تعالی بگروید. و پس علی بن ابی طالب رضی الله عنه، و پس ابو بکر صدیق رضی الله عنه.

کد: این روز پیغمبر ما را صلی الله علیه و سلم، از مکه از خانه ام هانی به بیت المقدس برد جبرئیل علیه السلام، و در بیت المقدس همه پیغمبران را علیهم السلام بدید، و از آنجا به آسمان ببردند او را، به قاب قوسین برسید و به ایزد تعالی مناجات کرد، و هفت آسمان را بدید با همه نعمتهای الوان آن، همه بهشت را بدید، و همه دوزخ را بدید با همه شدتهای گوناگون آن. و هم اندر شب باز آمد. و به مکه بیامد و چون بگفت، مشرکان باور نداشتند، و از وی نشانی خواستند، و او نشانی داد: که کاروان مکه که از شام همی آید به نزدیک بیت المقدس است هنوز، و اندرو اشتري است يك چشم باز دارد، و يك جوال او سپید و یکی سیاه. و چون بیامد همچنان بود.

که: اندرین روز مولد حسین بن علی ابی طالب بود رضی الله عنهم. و پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم بوقت ولادت او بسیار شادی کرد.

کو: شب این روز شب برات باشد و قضاها کی هست، ایزد تعالی اندر لوح محفوظ برانده است، اندرین شب از لوح محفوظ سوی آسمان دنیا فرود آرند، و از آنجا بفرمان ایزد تعالی به زمین همی آرند، و این شب را لیلة القدر و لیة الصک نیز گویند.

کز: اندرین روز قبله بیت المقدس سوی کعبه گردانید بفرمان ایزد تعالی. و سبب آن بود، کی چون فرمان ایزد تعالی بیامد سوی رسول علیه السلام، کی نماز سوی بیت المقدس کنند، بر دل پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، از آن رنج آمد، و از فرمان ایزد تعالی هیچ چاره نبود، و هجده ماه، نماز بر آن جانب کردند. پس ایزد عزوجل وحی فرستاد، و امر کرد که نماز بر آن جانب کعبه کردند، و رضای رسول صلی الله علیه و سلم نگاه داشت. و پس از آن قبله کعبه کردند.

کح: اندرین روز عبد الرحمن ملجم المرادی اندر مسجد آمد بوقت نماز دیگر، و مر علی بن ابی طالب را رضی الله عنه که آن حضرت در رکوع بود، او را مجروح کرد و جراحت زشت. و هم از آن جراحت بمرد رضوان الله علیه.

کط: اندرین روز وقعت بدر بود و نخستین غزو اسلام این بود، و هفتصد کافر بود، و سیصد مسلمانان. پس ایزد تعالی مسلمانان را ظفر بداد، و بسیاری از کافران بکشتند و بسیار را دستگیر کردند.

ل: اندرین روز پیغمبر صلی الله علیه و سلم از مدینه به مکه آمد با لشکری انبوه، و با اهل مکه حرب کرد، و شهر مکه برایشان حصار کرد، و بسیاری از ایشان بکشت و بسیاری دستگیر کرد، تا ایزد تعالی او را فیروزی داد و مکه را بگشاد. و اهل مکه از رسول صلی الله علیه و سلم بترسیدند، که مکه را و ایشان را نیست کند به انتقام آن جفاها کی ایشان به اوّل کرده بودند. و چون مکه فتح کرد، و اندر شهر آمد. رسول گفت صلی الله علیه و آله و سلم با مردمان مکه: «من شما را همان گویم، که برادر من یوسف علیه السلام برادران خویش را گفت: «لا تَتْرِبَ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللهُ لَکُمْ» [یوسف: 91] و مردمان مکه بدان شادمانه گشتند.

لا: اندرین روز علی بن ابی طالب رضی الله عنه از آن جراحت کی افتاده بود او، فرمان یافت.

لب: اندرین روز وفات علی بن موسی الرضا بود که به طوس فرمان یافت. و چنین گویند: کی از بهر مامون طبقی انگور آوردند همی از آن بخورد، و باقی بنزدیک علی بن موسی الرضا رضی الله عنه فرستاد، که مرا خوش آمد ازین انگور. تو نیز بخور! و علی بن موسی الرضا بخورد، و هم آن شب بمرد، و چنین گویند که اندران انگور، زهر بود. و مأمون جامه و علامت سبز کرده بود، چون او بمرد، جامه سبز بیفکند و سیاه پوشید.

لج: اندرین روز ابو مسلم عبد الرحمن بن مسلم، صاحب دعوت عباسیان بیرون آمد از دیه ماخان، و دعوت آشکارا کرد، و سلیمان بن کثیر مروزی با او یار بود. و ابو مسلم با نصر بن سیار حرب کرد، و او را قهر کرد، و خراسان بگرفت، و از پس آن عراق بگرفت، و دولت بنو امیه را از بیخ بر کند و نیست کرد، ابو العباس السفاح را بخلافت بنشانند.

لد: برقی از بصره بود و اندرین روز خروج کرد، و چندین گاه همیساخت (با تاخت) کاران و قومی از زنگیان و حبشیان و زطان [4] که بیصره بود. از آنجا کارهای گران ایشان کردند، و از ایشان بعضی بنده بودند و بعضی آزاد. و برقی سر ایشان بگردانید، و همه را بخوشتن دعوت کرد، و میعاد بنهادند که فلان روز بیرون آیند و خانهها فراگیرند. و چون روز وعده بیامد، سلاح ایشان

بیشتر چوب و استخوان ماهی بود، خانه‌های اهل بصره فرو کردند، و برقی دست ایشان مطلق کرد، تا مال مردمان همی بستند، و مسلمانان را همی کشتند، و زنان و عورتان ایشان را همی گرفتند، تا همه بصره را قهر کردند، و گشش بسیار بکردند، و چند وقت بصره را بداشتند، و رعیت و حشم او همه زطان و زنگیان و حبشیان بودند.

[لو: اندرین روز وفات جعفر بن محمد الصادق بود رضی الله عنه.]

لو: شب قدر شب این روز باشد. و پیغمبر را صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند از شب قدر. گفت: اندر فردهای ده آخر بجوئید. اما بر اغلب ظن، شب بیست و هفتم باشد و الله اعلم.

لز: اندرین روز عید، روز کشایان روزه کشانید، و روز رحمت است. و روزه شاید داشت.

له: اندرین روز مجادله پیغمبر ما صلی الله علیه و سلم بود با ترسایان نجران و مناظره رفته بود بر عیسی علیه السلام. ترسایان گفتند: او پسر خدای بود تعالی الله عما یقولون. و پیغمبر علیه السلام گفت: «خدای تعالی را زن و فرزند نیست. و بهیچ چیز حاجتش نیست». پس پیغمبر علیه السلام ترسایان را گفت: که ما ابتهال کنیم و ابتهال لعنت کردن باشد. گفت شما بیایید و فرزندان و زنان و خویشان را بیارید! و ما بیاییم و زنان و فرزندان خویش را بیاریم، و پس لعنت کنیم بر هر کسی که دروغ گوید. یا هر که دروغ گفته باشد، از آن قوم تا یک سال هیچ کس نماند، الا همه بمیرند و هلاک شوند. ایشان بترسیدند و گفتند: ما هر سال سیصد تا چهل و پنجاه تا، زره بدهیم، و این مباحله نکنیم و پیغمبر علیه السلام بدان صلح اجازت داد.

لط: اندرین روز غزوه احد بود، و اندرین روز غزوه سه هزار کافر بود و هفتصد مسلمان. و مسلمانان اول ظفر یافتند و بسیاری بکشتند و عبد الله جبیر سالار تیراندازان اهل اسلام بود، و کمین گاه همی نگاه داشتند. پس از آن مردمان بغارت مشغول گشتند، و کافران اندر آمدن گرفتند از آن ثلمه، و غلبه کردند و متجبر شدند و بسیار مسلمانان شهادت یافتند.

م: اندرین روز ابی طالب بن عبد المطلب بمرد. و چون او بمرد، کافران مکه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم استخفاف کردند، تا هجرت بایست کرد از مکه به مدینه.

ما: اندرین روز ابراهیم پیغمبر علیه السلام قاعده کعبه بر آورد، و چنین آمده است اندر اخبار کی آن سنگ قاعده‌ی خانه، از بهشت آوردند. و اندر آن وقت که بنی قریش بناء خانه کعبه را باز کردند، و به قعر آن فرو رفتند سنگی سبز پدید آمد زیرا اساس او، و هر چند آهن بر آن سنگ سبز زدند کار نکرد، دانستند که آن سنگ از بهشت است، و از آنجا بنیاد نهادند و بر آوردند.

مب: مقتل جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه که او را جعفر الطیار خوانند، اندرین روز بود.

مج: اندرین روز ترویج فاطمه زهرا بود با علی بن ابی طالب رضی الله عنهما بفرمان ایزد تعالی، که جبرئیل علیه السلام از آسمان آورد.

مد: اندرین روز مولد زید علوی العلوی بود، که او را بنو امیه بکشتند، و سر او اندر چوبی کردند. و ابو مسلم صاحب الدعوة عباسیان از مرو بیرون آمد، و بسبب خون او، چند هزار خون ریخت و ملک از بنی امیه ببرد.

مه: اندرین روز وفات محمد بن علی الامیر بود امام شیعه.

مو: این روز به مزدلفه باشند و از منزل بروند، و روی به حج نهند.

مر: این روز ترویج بود کی حجاج خانه خدای، آنها بردارند و قصد عرفات کنند و به منا بایستند.

مح: این روز عرفه باشد که حاجیان اندر عرفات بیستند و صفا و مروه را طواف کنند و سنگ اندازند و حج کنند.

مط: این روز عید گوسپندکشان باشد، که بمکه قربان کنند. و اندرین روز، روزه نشاید داشتن و نه دیگرم روز و ایام تشریق، از بزرگواری این روزها.

ن: این روز را روز قر گویند، یعنی که از جایگاه حج بروند.

نا: این روز را روز اول نفر گویند، که نخستین کاروان که از مکه بروند، این روز باشد.

نب: اندرین روز مر عثمان بن عفان را رضی الله عنه بکشتند، کی غوغا اندر خانه او افتادند و او مصحف همی خواند، و هم بر آن حال او را بکشتند، و خون او را بر مصحف بریخت.

نج: این روز را غدیر خم گویند.

ند: اندرین روز مقتل عمر بن الخطاب بود رضی الله عنه، که ابو لولوه غلام مغیره او را جراحت کرد، و از آن جراحت بمرد، و حکایت این چنان بود کی این ابو لولوه عجمی بوده، بنده مغیره بود، و سه پیشه میدانست: آهنگری و درودگری و آسیابانی. و مغیره همه روز از وی پنج درم همی خواست، و میان ایشان لجاج رفت، و پیش عمر بن الخطاب رضی الله عنه آمدند. و مغیره گفت: یا امیر المؤمنین! این بنده من است و سه پیشه داند، و از وی هر روز پنج درم همی خواهم. ابو لولوه گفت: طاقت این ندارم. عمر گفت: «این سه پیشه که تو داری، هر روز پنج درم بباید داد، و این بسیار نباشد، که از آسیاگری این واجب آید دادن.» ابو لولوه از پیش او بیرون آمد، و بزبان عجمی میگفت: «که اگر من آسیایی نهم که تا قیامت از آن سخن گویند مرد نیستم.» و پس دشنه بکرد و سر آنرا آب داد، و اندر مسجد آمد بوقت نماز، فرصت یافت، و عمر را رضی الله عنه بزد و مجروح کرد، و از آن جراحت بمرد رضی الله عنه.

مو: اندرین روز مولد محمد بن علی الزکی بود رضی الله عنهم.

نه: اندرین روز وقعت حره بوده است به مدینه. و سبب آن بود: که چون عبد الله حنظله که پدرش را «غسیل الملائكة» گفتندی، با اهل مدینه اتفاق کرده (بر) یزید بن معاویه خروج کردند و بنو امیه را از مدینه بیرون کردند. یزید بن معاویه مر مسلم بن عقبه المری را بمدینه فرستاد به حرب ایشان. و مسلم با اهل مدینه جنگ عظیم کرد، و عبد الله بن حنظله با اکثر اهل مدینه شهید شدند. بعد از آن مسلم بن عقبه اندر اوفتاد، و مدینه را غارت کرد. و بدان سبب بر مهاجر و انصار سخت رنج رسید، و هرگز

بر مسلمانان از آن منکرتر کاری نرسیده بود، و آن روز را «یوم الحرة» نام کردند. این بود تمامی عیدهای وقایع مسلمانان که یافتیم.

جدول اعیاد از زیچ ابن شاطر از قرن هشتم

زیچ ابن شاطر که با نام نزهة الناظر شناخته می شود از علاء الدین علی بن ابراهیم انصاری معروف به مطعم فلکی متوفای 777 هجری است و نسخه مورد استفاده ما تاریخ کتابت 813 را دارد. (چاپ عکسی مجمع الذخائر الاسلامی، قم، 1392) وی به پیروی از سنت تقویم نگاری، همان جدول کهن اعیاد اسلامی را با افزوده هایی در کتاب خویش آورده است. عنوان این جدول که در صفحه 36 متن چاپ عکسی است « جدول اعیاد المسلمین و ایامهم المشهورة » است. در این جدول، روزهایی که غالباً مشابه جداول پیشگفته است ملاحظه می کنیم، اما روزهایی هم بر آن افزوده شده است. فهرست آنها از این قرار است:

محرم: مقتل زید بن علی، تاسوعا، عاشورا، مقتل الحسین، قدوم اصحاب فیل، وفات موسی بن جعفر
صفر: دخل رأس الحسین بدمشق، وقعة هوازن، مرض النبی صلی الله علیه و سلم، زیارة الاربعین، خروج النبی الی الغار، وفاة محمد الباقر

ربیع الاول: هاجر النبی علیه السلام، نزول صحف ابراهیم، خلافة بن ابی بکر، مولد الحسن العسکری، قدوم النبی المدینه، تزویج خدیجه، مولد النبی علیه السلام، وفاة یزید بن معاویه [طبعاً برای اظهار شادمانی]، فار التنور بالكوفة، وفاة النبی علیه السلام، ربیع الثاني حاصر الحجاج الکعبه، وفاة آمنه، تقرير فرض الصلاة، اول الدولة العباسیه، مولد محمد الباقر، عقر ناقة صالح، مقتل کسری

جمادی الاولى: مولد زین العابدین، قتل الحجاج ابن الزبیر، حرب الجمل، وفاة فاطمه الزهراء
جمادی الاخره: وفاة ابوبکر الصدیق، ولاية عمر بن الخطاب، مولد جعفر الطیار، مولد کاظم، جدد ابن الزبیر الکعبه، مولد فاطمة الزهراء، ارخ عمر بن الخطاب الهجره.

رجب: ركب نوح السفینه، وقعه صفین، مولد الامام علی، نوم اهل الکهف، صلاه ام داود، وفاة کاظم، مبعث النبی [که این قطعا دلیل بر تشیع اوست] و معراج
شعبان: مولد الحسین، ليلة النصف، صرف الفیل عن الکعبه [؟]، وفاة جعفر الصادق. [در نسخه دیگر: تحويل القبله الی الکعبه] که این باید درست تر باشد

رمضان: نزول الصحف، مولد الصادق، نزول التوریه، دخل النبی بعائشه، مولد الحسن السبط، غزاة بدر، ضرب ابن ملجم لعلی، وفاة الامام علی، فتح مکه، نزول الانجیل، نزول القران، ليلة القدر،

شوال: عید الفطر، يوم المباهله، غزاة طائف، وقعة احد، مقتل حمزه، وفاة ابی طالب، وفاة ابراهیم النبی، نزول جبرئیل بالوحی، ذی القعدة: تزویج فاطمه، رفع ابراهیم القواعد من البیت، انشق البحر لموسی، خروج یونس من بطن الحوت، اول اللیالی السود، دحیت الارض من تحت الکعبه،

ذو الحجه: مولد ابراهیم الخلیل، المزدلفه، يوم الترویة، يوم عرفه، عید النحر، النفر بمکه، آخر ایام التشریق، مقتل عثمان رضی الله عنه، يوم غدیر خم، وفاة عمر بن الخطاب.